



دانشگاه شهید چمران اهواز

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

شماره پایان نامه: ۹۳۲۴۵۰۹۴

پایان نامه کارشناسی ارشد

گرایش: تاریخ ایران دوره اسلامی

عنوان:

بررسی روابط ایران و آلمان در دوره رضاشاه و تاثیر آن بر صنایع ایران

استاد راهنما: دکتر محمدرضا علم

استاد مشاور: دکتر علی بحرانی پور

نگارنده: زهرا سواری

بهمن ماه سال ۱۳۹۳



تقدیم به خدایی که آفرید جهان را، عقل را، علم را، معرفت را، عشق را و به کسانی که عشقشان را در وجودم دمید؛ پدر و مادرم،
که از نگاهشان صلابت، از رفتارشان محبت و از صبرشان ایستادگی آموختم و به همسرم که با صبوری مشکلات مسیر را برایم
تسهیل نمود و به دلبندم، امید بخش جانم که آسایش او آرامش من است.

سپاس بی‌کران پروردگار یکتا را که هستی‌مان بخشید، به طریق علم و دانش رهنمونمان شد، به همنشینی رهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت.

از استاد فرهیخته و شایسته؛ جناب آقای دکتر علم که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و فروتنی، از هیچ کمکی در این عرصه بر من دریغ ننمودند و زحمت راهنمایی این پایان‌نامه را بر عهده گرفتند؛ از استاد فرزانه و گرامیم جناب آقای دکتر بحرانی‌پور که زحمت مشاوره این پایان‌نامه را متقبل شدند؛ از همراهی استاد صبور، جناب آقای دکتر جلیلیان، مدیریت محترم گروه، از اساتید دانشمند جناب آقای دکتر جباری و خدایی که زحمت داوری این پایان‌نامه را متقبل شدند؛ از اساتید فرزانه و دلسوز گروه تاریخ، جناب آقای، دکتر میلانی و دکتر قیم که دانش و تجربه خود را بی‌دریغ در اختیار ما نهادند؛ کمال تشکر و قدردانی را دارم. و با امتنان بیکران از مساعدت‌های کارکنان کتابخانه ادبیات و مرکزی و تشکر خالصانه خدمت همه کسانی که به نوعی مرا در انجام رساندن این مهم یاری دادند، دارم، باشد که این خردترین، بخشی از زحمات آنان را سپاس گوید.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات

- ۱- مقدمه..... ۱
- ۲- اهداف و پرسش‌های تحقیق..... ۱
- ۳- روش تحقیق..... ۲
- ۴- پیشینه تحقیق..... ۲
- ۵- بررسی منابع و مآخذ..... ۳
- ۶- ساماندهی..... ۵

فصل دوم: تاریخ و روابط خارجی آلمان

- ۷- تاریخ و سیاست خارجی آلمان از آغاز تا پایان جنگ اول جهانی..... ۷
- ۱۳- سیاست خارجی آلمان در دوره جمهوری وایمار..... ۱۳
- ۱۷- هیتلر و سیاست خارجی آلمان در دوره حکومت نازی‌ها..... ۱۷

فصل سوم: تاریخ و روابط خارجی ایران

- ۲۲- بررسی اجمالی تاریخ و روابط خارجی ایران در دوره سلطنت قاجاریه..... ۲۲

رضاشاه و سیاست‌های داخلی و خارجی ایران.....	۲۹
اوضاع اقتصادی ایران در دوره سلطنت رضاشاه	۴۱
پیشینه روابط ایران و آلمان؛ انگیزه‌ها و اهداف.....	۵۵
علل گسترش روابط ایران و آلمان در دوره سلطنت رضاشاه.....	۶۳

فصل چهارم: روابط سیاسی و فرهنگی ایران و آلمان

تاریخچه روابط سیاسی و فرهنگی ایران و آلمان تا آغاز قرن بیستم.....	۷۲
نگاهی کلی به روابط سیاسی و فرهنگی ایران و آلمان از آغاز قرن بیستم تا پایان سلطنت رضاشاه.....	۷۹
فعالیت آلمان‌ها در ایران در فاصله دو جنگ جهانی.....	۸۸
فعالیت ایرانی‌ها در آلمان بعد از جنگ اول جهانی.....	۱۰۱
سهم آلمان‌ها در شناسایی ایران باستان و کشفیات باستانی ایران.....	۱۰۹
نقش آلمان در ایجاد مدارس و هنرستان‌های صنعتی در ایران.....	۱۱۳
سهم آلمان در اعزام دانشجویان ایرانی به آلمان.....	۱۱۹
جنگ جهانی دوم و روابط ایران و آلمان.....	۱۲۱

فصل پنجم: روابط اقتصادی ایران و آلمان

پیشینه روابط اقتصادی ایران و آلمان	۱۳۲
روابط اقتصادی ایران و آلمان در دوره سلطنت رضاشاه	۱۳۵

فصل ششم: سهم آلمان در توسعه صنعتی ایران

- صنعتی سازی ایران در دوره رضاشاه..... ۱۴۴
- تأثیر روابط ایران و آلمان بر صنعت تجارت و بازرگانی ایران..... ۱۵۰
- نقش آلمان در ایجاد و گسترش صنایع نظامی ایران..... ۱۶۵
- تأثیر روابط ایران با آلمان بر صنعت مالی ایران..... ۱۷۲
- تأثیر روابط ایران و آلمان بر صنایع ارتباطی ایران (هوایی، زمینی، خطوط دریایی ایران و تلگراف، تلفن و رادیو)..... ۱۸۶
- آلمان و بهره‌برداری از معادن ایران..... ۲۰۹
- تأثیر روابط ایران و آلمان بر معماری و ساختمان‌های ایران..... ۲۱۲
- آلمان‌ها و راه اندازی کارخانجات در ایران..... ۲۱۴
- آلمان و صنعت کشاورزی ایران..... ۲۱۸
- تأثیر روابط ایران و آلمان بر صنعت نفت ایران..... ۲۲۰
- نتیجه..... ۲۲۴
- پیوست‌ها..... ۲۲۵
- فهرست منابع و ماخذ..... ۲۴۸

چکیده

شماره دانشجویی : ۹۰۲۸۶۰۲	نام: زهرا	نام خانوادگی : سواری
عنوان پایان نامه : بررسی روابط ایران و آلمان در دوره رضاشاه و تاثیر آن بر صنایع ایران		
استاد راهنما: جناب آقای دکتر علم		
استاد مشاور: جناب آقای دکتر بحرانی پور		
گرایش: ایران دوره اسلامی	رشته: تاریخ	درجه تحصیلی: دانشجوی کارشناسی ارشد
گروه : تاریخ	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	دانشگاه : شهید چمران اهواز
تعداد صفحه: ۲۵۸		تاریخ فارغ التحصیلی :
کلید واژه ها: روابط خارجی، ایران، آلمان، رضاشاه، صنایع		
<p>روابط ایران و آلمان به مجموعه روابط سیاسی، فرهنگی و اقتصادی گفته می شود که به طور رسمی از سال ۱۸۷۲م / ۱۲۵۱ش در پی سفر اول ناصرالدین شاه به آلمان در خلال سفرش به اروپا، شروع شد. و از این سالها به بعد که موجودیت ملی ایران از سوی انگلیس و روسیه به مخاطره افتاد از نظر سیاستمداران ایرانی، آلمان کشوری بود که می توانست به عنوان حکومتی که دیدگاهی استعماری نسبت به ایران نداشته باشد به صحنه ایران وارد شود و از ایران در مقابل شوروی و انگلیس حمایت کند. آلمان نیز بعد از مرگ بیسمارک به دنبال منافع خود در خاورمیانه بود. روابط ایران و آلمان در سیاست خارجی رضاشاه جایگاه ویژه ای داشت. هدف رضاشاه از گسترش مناسبات خود با آلمان توسعه و نوسازی کشور برای رسیدن به استقلال سیاسی بود. اما پیش در آمد استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی بود. به همین خاطر روابط تجاری دو کشور رونق گرفت. آلمان به نحو چشمگیری در طرح صنعتی شدن ایران درگیر شد، به طوری که می توان گفت مبنای صنایع جوان ایران را ماشین آلات آلمانی تشکیل می داد، از طرفی احتیاج مبرم آلمانها به مواد خام خود دلیل خوبی برای ضرورت تجارت میان دو کشور بود. با اینکه روابط دو کشور، در دوره جمهوری وایمار به طور موقت به سردی گرایید لیکن با روی کار آمدن هیتلر و دشمنی با کمونیستها و همچنین تنفر و هراس رضاشاه از کمونیسم روابط دو کشور وارد مرحله نوینی شد. اما تقسیم بندی جهانی قدرتها در جنگ جهانی دوم از یک سو و موقعیت استراتژی ایران از طرف دیگر روابط ایران و آلمان را به نوعی به ناامیدی کشاند. هدف پایان نامه حاضر بررسی فراز و فرودهای این روابط و تاثیر آن بر اقتصاد و صنایع ایران در این مقطع از تاریخ است.</p>		

فصل اول: کلیات

۱- مقدمه

پایان‌نامه حاضر روابط ایران و آلمان در دوره رضاشاه و تاثیر آن بر صنایع ایران، را در حوزه روابط سیاسی، روابط فرهنگی، روابط اقتصادی و تاثیر این روابط بر صنایع ایران بررسی می‌نماید. در زمینه روابط سیاسی سفرهای هیات‌های سیاسی دو دولت ایران و آلمان، فعالیت‌های روزنامه‌نگاران و دانشجویان مخالف دولت‌های وقت ایران و فعالیت‌های جاسوسی و نفوذی نیروهای آلمانی به خصوص در آستانه و زمان دو جنگ جهانی که منتهی به اشغال ایران به بهانه حضور و فعالیت این گروه‌ها در جنگ دوم جهانی شد بررسی می‌شود. در حوزه فرهنگی اکتشافات باستان‌شناسی، تاسیس مدارس و هنرستان‌ها در ایران به کمک آلمان‌ها، انتشار روزنامه‌ها به خصوص روزنامه کاوه و انجمن ایران و آلمان و اعزام دانشجویان به آلمان مورد بررسی قرار می‌گیرد. روابط اقتصادی، شامل گستردگی روابط تجاری به خصوص مبادلات تهاتری، فعالیت شرکت‌های آلمانی در زمینه ارتباطات، ایجاد کارخانجات و استخدام کارشناسان اقتصادی آلمانی برای اداره امور به ویژه مسائل مالی است. و تاثیر پذیری صنایع ایران از این روابط بررسی می‌شود.

۲- اهداف و پرسش‌های تحقیق

اهداف پایان‌نامه حاضر عبارتند از:

- بررسی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آلمان و ایران و میزان تاثیر پذیری صنایع ایران از این رابطه
- تبیین جایگاه ایران در سیاست خارجی آلمان همچنین جایگاه آلمان در سیاست خارجی ایران
- روشن نمودن نقش آلمان به عنوان نیروی جایگزین و حایل بین دو قدرت مسلط بر ایران (روسیه و انگلیس)
- بررسی جایگاه آلمان در توسعه مبادلات تجاری ایران در مقایسه با دوره‌های قبل
- بررسی سهم آلمان در شناسایی و شناساندن فرهنگ و ادب ایران

-بررسی جایگاه ایران در بازسازی ساختارهای اقتصادی آلمان بعد از جنگ اول جهانی

-مشخص نمودن میزان تاثیر گذاری سیاست‌های آلمان‌ها بر افکار عامه ایران

پرسش‌های پایان‌نامه حاضر عبارتند از:

سوال اصلی این پژوهش این است که روابط ایران و آلمان چه آثار اقتصادی برای کشور ایران داشت؟ با توجه به تحقیقات به عمل آمده به نظر می‌رسد صنایع ایران تحت تاثیر شدید این روابط بوده است.

علاوه بر پرسش اصلی، به پرسش‌های فرعی ذیل نیز پرداخته می‌شود:

علل، اهداف و انگیزه‌های گسترش روابط ایران و آلمان از سوی دو طرف چیست؟

جایگاه ایران در سیاست خارجی آلمان از چه کیفیتی برخوردار است؟

جایگاه آلمان در سیاست خارجی ایران از چه کیفیتی برخوردار است؟

سهم آلمان در شناسایی فرهنگ و ادب ایران به چه میزان است؟

آیا ایران در گسترش رابطه با آلمان به اهداف مورد نظر خود رسیده است؟

موضع قدرت‌های جهان در ایجاد و گسترش روابط ایران و آلمان چیست؟

۳- روش تحقیق

روش تحقیق در این پایان‌نامه به صورت کتابخانه‌ای است. علاوه بر کتب از اسناد، نشریات، مقالات، تحقیقات جدید و سایت‌های اینترنتی نیز استفاده شده است.

۴- پیشینه تحقیق

در زمینه روابط ایران و آلمان در دوره رضاشاه عمده کارهای انجام شده حول محور جنگ جهانی دوم و روابط سیاسی این دو کشور است. مقالات ارائه شده نیز بیشتر بر روابط اقتصادی تاکید دارند و کمتر صنایع را در نظر گرفته‌اند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم توجه به این موضوع، عدم دسترسی آسان به اسناد و مدارک راضی کننده باشد.

۵- بررسی منابع و مآخذ

منابع استفاده شده در این پایان‌نامه، اسناد و مدارک به خصوص اسناد وزارت امور خارجه، کتب، مجلات و روزنامه‌ها است. در این میان موارد زیر قابل ذکر است.

در کتاب "تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی"، نویسنده نگاه کلی به بحث روابط خارجی ایران دارد. سعی نویسنده بر این است که در کنار سایر کشورها، به روابط ایران و آلمان نیز بپردازد. تاکید نویسنده بر روابط سیاسی است و کم رنگ بودن مسائل اقتصادی در آن به چشم می‌خورد.

در میان کتب مورد مطالعه، "روابط سیاسی و اقتصادی ایران و آلمان میان دو جنگ جهانی" بیشتر در راستای موضوع ارائه شده است. نویسنده کتاب، پرداخت خوبی به موضوع داشته است. و سعی مولف بر این بوده است که تاثیر روابط سیاسی دو کشور را بر گسترش روابط اقتصادی نشان دهد. و گفته‌های خود را با اسناد و مدارک، نگارش‌ها و آمارهای گمرک ایران و منابع دست اول مستند نمود.

کتاب "گنج شایگان" محمدعلی جمالزاده در روابط اقتصادی عصر قاجار یک اثر جامع است. مولف در این اثر گاهی ارقام و آمار دقیقی ارائه کرده است، چیزی که کمتر در منابع تاریخ ایران به قلم نویسندگان ایرانی مشاهده می‌شود.

در حوزه روابط فرهنگی ایران و آلمان "روزنامه کاوه" از اهمیت بالایی برخوردار است. تاکید روزنامه کاوه بر مسائل فرهنگی ایران باعث شد تا گردانندگان این روزنامه به روابط فرهنگی ایران و آلمان توجه داشته باشند. مهمترین هدف سید حسن تقی‌زاده تلاش برای نزدیکی ایران و آلمان با هدف دور کردن ایران از روسیه و انگلستان بوده است.

از کتب مورد توجه این دوره، خاطرات رجال و شخصیت‌هایی است که خود در راس امور بودند. این آثار گرچه در بعضی موارد منعکس کننده اقدامات و نظرات خود نویسندگان است و بیشتر به شرح زندگانی خود و خاندان خود می‌پردازند اما حاوی مطالب مهم و ارزنده از آن دوره می‌باشد.

کتاب "خاطرات یک نخست وزیر" از احمد متین‌دفتری که به مدت هشت ماه از آبان ۱۳۱۸ نخست وزیر ایران بود با این که به ژرمانوفیلی معروف بود اما اطلاعات اندکی در زمینه روابط ایران و آلمان ارائه

می‌دهد. مطالب و گزارش‌های وی بیشتر جنبه اقتصادی دارد. و اقتصاد ایران دوره رضاشاه و اقداماتی که خود وی در آن‌ها شرکت داشته را شرح می‌دهد.

از خاطرات مهم این عصر کتاب "زندگانی من و نگاهی به تاریخ معاصر ایران و جهان" از عبدالحسین مسعود انصاری است. مشاهدات وی به عنوان یکی از اعضای سفارت ایران در برلین به خصوص از اوضاع آلمان و گزارشاتی که در راستای انعقاد قراردادهای میان ایران و آلمان است، قابل ملاحظه است.

از کتب خاطرات رجال این دوره، کتابی تحت عنوان "از رضا شاه تا محمدرضا پهلوی - مشاهدات و خاطرات میرزا جوادخان عامری (معین الممالک)" شنیده، پژوهیده و نوشته هوشنگ عامری، با مقدمه و موخره دکتر باقر عاقلی است که در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات کتاب پارسه به چاپ رسیده است. میرزا جواد خان از دروان نوجوانی تا هنگام بازنشستگی نه تنها شاهد تمام وقایع عمده ایران قرن بیستم بود، بلکه در بسیاری از آنها مستقیماً دخالت داشت و در تعدادی از آنها نقشی تاثیرگذار بازی کرد. محتوای این کتاب را می‌توان به دو قسمت تقسیم کرد: بخش نخست را آنچه میرزا جوادخان در دوران زندگی خود شاهد و ناظر آن بود (غالباً به نقل از ایشان) تشکیل می‌دهد، بخش دوم شامل وقایعی است که ایشان شخصاً در آن‌ها نقش داشت یا موثر بود. البته در هر دو مورد، از مدارک گوناگون برای تهیه و تنظیم کتاب یاری گرفته شده است. او ابتدا در وزارت خارجه مشاور حقوقی بود و سپس مدیرکل و بعد از آن در سال ۱۳۱۷ معاون همان وزارتخانه شد. عامری در روزهای نخستین حمله قوای خارجی به ایران در شهریور ۱۳۲۰ به دستور رضاشاه وزیر کشور شد. در واقع وی آخرین وزیر کشور رضاشاه بود. با اهیت‌ترین مطالب کتاب در زمان رضاشاه نیز حول جنگ دوم جهانی و بهانه‌جویی متفقین از حضور چندصد تن آلمانی مقیم ایران بود که در نهایت به اشغال ایران و نتایج زیان‌بار آن می‌پردازد.

سفرنامه بلوشر یا "گردش روزگار در ایران" یکی از منابع مورد توجه در روابط ایران و آلمان است. این کتاب حاوی شرح وقایع دولت موقت و کمیته مهاجرت در جنگ اول، شرح روابط روسیه و انگلستان، عشایر ایران با آلمان، مشکلات دولت ایران با جمهوری وایمار - مسائلی همچون اختلاس در بانک ملی، اختلاف نظر با شاه در مورد فعالیت مخالفین سیاسی ایران در برلین و... است. آنچه بر اهمیت کتاب می‌افزاید این است که ویبرت بلوشر در سه دوره در ایران سمت‌های داشته که مستقیماً با امور ایران در تماس بود. وی افسر و منشی هیات مامور در غرب ایران در جنگ جهانی اول، مسئول دایره امور مربوط

به ایران در برلین پس از جنگ و سفیر آلمان در تهران طی سال‌های ۱۹۳۴-۱۹۳۱ م بود. وی نقش فعالی در رفع تیرگی روابط دو کشور بعد از ایجاد اختلافات مذکور داشته است.

از اسناد منتشر نشده‌ی وزارت امور خارجه و سازمان اسناد ملی تعداد بیست و یک برگ سند در این پایان‌نامه استفاده شده است. از مشکلات استفاده از اسناد می‌توان به کهنگی و ناخوانا بودن، عدم درج تاریخ و شماره یا نمره ثبت اشاره کرد.

۶- ساماندهی

فصل‌های پایان‌نامه حاضر به شرح زیر است:

فصل اول کلیات: شامل مقدمه، اهداف و پرسش‌های تحقیق، شیوه تحقیق، پیشینه تحقیق، بررسی منابع و ماخذ و ساماندهی است.

فصل دوم با عنوان تاریخ و روابط خارجی آلمان آمده است. در این فصل به نحوه شکل‌گیری سرزمین آلمان سپس به وحدت آلمان و تاسیس امپراطوری آن با درایت بیسمارک، سیاست‌های آلمان در جهت توجه به خاورمیانه به خصوص ایران، تا سقوط رایش سوم می‌پردازد. سیاست‌های خارجی بیسمارک که در حوزه اروپا بود تلاش ایران را برای برقراری ارتباط عقیم نهاد. اما با برکناری بیسمارک محافل اقتصادی آلمان و امپراطور در جهت بسط مناسبات سیاسی و اقتصادی با خاورمیانه از جمله ایران تلاش می‌کند. بعد از جنگ اول جهانی و تشکیل جمهوری وایمار و بعد از آن حکومت نازی‌ها رابطه با شرق و ایران در اهداف سیاسی و اقتصادی آنها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

فصل سوم با عنوان تاریخ و روابط خارجی ایران، به روابط خارجی ایران و سیاست‌های دولتمردان ایرانی به خصوص وارد کردن قدرت حایلی بین دو قدرت مسلط و صاحب نفوذ یعنی روسیه و انگلستان می‌پردازد که جایگاه آلمان در این زمینه از اهمیت خاصی برخوردار است. برنامه صنعتی کردن ایران و نوسازی اقتصاد آن که از دوره مشروطه رکن اصلی سیاست دولتمردان مشروطه‌خواه و روشنفکر ایران، بود دولت رضاشاه را به سمت آلمان، که سیاست پیش به سوی شرق، را در جستجوی سرزمین و بازار کالاهای صنعتی خود از یک طرف و تهیه مواد خام از طرف دیگر در پیش گرفته بود می‌کشاند. کمونیسم ستیزی و میلیتاریسمی هیتلر و رضاشاه فصل نوینی از روابط میان دو کشور را باعث شد.

فصل چهارم با عنوان روابط سیاسی و فرهنگی ایران و آلمان، با بررسی ورود نخستین سیاحان و تجار و مردان سیاسی آلمان به ایران که بعد از برگشت خود به تالیف خاطرات و دیده‌های خود راجع به ایران می‌پرداختند شروع می‌شود. سپس به شکل‌گیری نخستین روابط سیاسی ایران و آلمان در دوره صفویه، گشایش سفارت ایران و آلمان در دوره ناصرالدین‌شاه می‌پردازد. بعد از مشروطه، آلمان یکی از کانون‌های مبارزین ایران برای احقاق حق خود و مبارزه با استعمار روسیه و انگلستان می‌شود. روزنامه کاوه با مدیریت تقی‌زاده مبارزین را در یک کانون گرد هم آورد. و در دوره رضاشاه، در برلین روزنامه‌ها و دانشجویان بر علیه سیاست‌های رضاشاه افکار خود را منتشر می‌کردند. فعالیت‌های آلمانی‌ها در زمان دو جنگ جهانی اول و دوم در ایران به خصوص فعالیت‌های واسموس، مایر، اروین اتل، گاموتا، شولتسه و... چشمگیر بود. شناسایی ایران باستان با اقدامات پرفسور هرتسفلد و گروه باستان‌شناسی آلمان، تاسیس مدارس و هنرستان‌های فنی ایران توسط آلمانی‌ها از اقدامات فرهنگی مورد توجه در دوره رضاشاه بود.

فصل پنجم، تحت عنوان روابط اقتصادی ایران و آلمان، آمده است. در آغاز این فصل، ضمن اشاره به پیشینه اقتصادی ایران و آلمان، به این موضوع می‌پردازد که قوانین انحصار تجارت خارجی ایران در دوره رضاشاه و سیاست‌های اقتصادی آلمان در معاملات پایاپای یا سیستم کلیرینگ، روابط اقتصادی دو طرف را شکل می‌دهد.

فصل ششم، با عنوان تاثیر آلمان در توسعه صنعتی ایران، در ابتدا به برنامه صنعتی کردن ایران توسط دولت رضاشاه اشاره می‌کند سپس به این مسائل می‌پردازد که چگونه برنامه صنعتی کردن ایران و نیاز مبرم به ماشین‌آلات و نیروی متخصص از یک طرف و فروش ماشین‌آلات کارخانجات آلمان پای دولت آلمان و کمپانی‌های آلمانی؛ مثل کروپ، یونکرس، زیمنس، فروشتال و غیره را درگیر صنایع ایران کرده است.

فصل دوم: تاریخ و روابط خارجی آلمان

تاریخ و سیاست خارجی آلمان از آغاز تا پایان جنگ اول جهانی

آلمان (به آلمانی Deutschland) با نام رسمی جمهوری فدرال آلمان کشوری در قاره اروپا با پایتخت برلین است. آلمان از شمال با دریای شمال، دانمارک و دریای بالتیک، از شرق با لهستان و جمهوری چک، از جنوب با اتریش و سوئیس و از غرب با فرانسه، بلژیک، لوگزامبورگ و هلند مرز دارد. آلمان‌ها که خود را در زبان آلمانی دویچه^۱ می‌نامند، از نژاد ژرمن‌ها به ویژه شاخه غربی آن که زیر شاخه نژاد آریایی است هستند می‌باشند. مردم ژرمن به اقوام مختلفی تقسیم می‌شدند که عبارت بودند از؛ گوت‌ها^۲، وندال‌ها، لمباردها، سوئی‌ها^۳، بورگندی‌ها، آنگل‌ها، ساکسون‌ها و فرانک‌ها. اگوست کنت اولین امپراتور رومی بود که تلاش کرد ژرمن‌ها را به سرزمین خود پیوند دهد^۴. ولی این ژرمن‌ها بودند که امپراتوری روم غربی را با اشغال فرانسه در هم شکستند. دیگر قبایل ژرمن مطیع فرانک‌ها شدند و کلویس در سال ۴۸۱م به عنوان پادشاه فرانک‌ها انتخاب شد. اما شاید بتوان گفت نخستین حکومت آلمانی به معنای واقعی، سلطنت شارلمانی در سال ۸۰۰م است که تاج امپراتوری را از دست پاپ لویی سوم دریافت کرد و به عنوان موسس امپراتوری مقدس روم شناخته می‌شود. در زمان جانشینان شارلمانی امپراتوری به دو بخش فرانسوی زبان و آلمانی زبان تقسیم می‌شود. در سال ۹۱۹م شاهزاده هاینریش به عنوان هاینریش اول پادشاه آلمان شد. با تاجگذاری وی در حقیقت تاریخ آلمان هم زاده می‌شود. از این تاریخ به بعد آلمان به عنوان یک کشور یا دولت وارد تاریخ می‌شود.

^۱ Deutsche دویچه یعنی آلمانی. این واژه از زبان قدیمی آلمانی عاریت گرفته شده و اوایل چنین نوشته می‌شد "دویچ" که این واژه از واژه دیگری، یعنی "تویچ" آمده که صفتی بوده است که به مردم عامی می‌داده اند و گویا از لفظ "دیوت" به معنی مردم یا خلق اخذ شده است. این واژه بعد ها تغییر ماهیت داده است و به "دویچ" تبدیل شده است. مراجعه کنید به شاپور چهارده چریک، مختصری درباره تاریخ

آلمان، <http://tarijome.persianblog.ir>، 3/11/1385

^۲ Goths

^۳ Suebi

^۴ جداری کریمیان، عباس؛ تاریخ آلمان؛ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۶۸، اردیبهشت ۱۳۹۱، ص ۸۵

ورود ساکسون‌ها به سرزمین‌های اصلی آلمان منجر به شکل‌گیری رایش اول توسط اتوی کبیر در سال ۹۶۲م شد، و آلمان از این زمان به عنوان یکی از قدرت‌های اروپایی مطرح و امپراطوری آلمان در تمام مغرب زمین معروفترین و مقتدرترین دولت آن زمان محسوب می‌شد.^۱ هم‌زمان با تحولات اروپا و بحران در کلیسای کاتولیک و شکل‌گیری نوزایی، رشد نهضت اومانسیم و سطح آگاهی‌های مردم، زمینه‌ی به وجود آمدن نهضت اصلاح دینی فراهم شد که ابتدا در آلمان و در پی نا آرامی‌های دامنه دار دینی در این کشور توسط مارتین لوتر به وجود آمد و منجر به تشکیل اتحادیه پروتستان شد. جنگ‌های سی ساله (۱۶۴۸-۱۶۱۸م)، سراسر اروپا را در بر گرفت در این جنگ‌ها که آلمان و اسپانیای کاتولیک بر علیه فرانسه و سوئد و دانمارک پروتستان می‌جنگیدند، باعث فروپاشی خاندان هابسبورگ که بر اسپانیا و آلمان حکومت می‌کردند شد. و آلمان به تعداد زیادی حکومت‌های مستقل تبدیل شد که بزرگترین آنها پروس و اتریش بودند. دو دولت هیچ توافقی با هم نداشتند و هریک می‌خواست به تنهایی بر آلمان حکومت داشته باشد.^۲

سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۷۱ م سال‌های شکل‌گیری کشورها بر اساس یک ملت واحد در اروپا بود. از یک طرف وقوع انقلاب فرانسه و تسلط ناپلئون بر اروپا احساسات وطن پرستانه را در سایر نقاط این قاره به جوشش آورد و از سوی دیگر بسیاری از متفکران و اندیشمندان آلمانی به این امید بودند که کشوری بر مبنای زندگی خاص آلمان‌ها و اصولب سیاسی مختص به خود داشته باشند.^۳ در این میان در سال ۱۸۶۱م فردریک گیوم چهارم از دنیا رفت و برادرش ویلهلم اول که بسیار محافظه کار و طرفدار سیاست نظامی بود، جانشین او شد. وی اتو فن بیسمارک (۱۸۹۰-۱۸۷۰م) را که مردی نیرومند، مدبر و با اراده بود را به وزارت برگزید. با سیاست‌های بیسمارک اختلاف‌هایی که بر سر دوک نشین‌های شلسویگ، هلشتاین، لونورگ بین پادشاه دانمارک و اتحادیه ایالت‌های آلمانی بود به موجب عهدنامه‌ای که در وین منعقد شد دانمارک رسماً از دوک نشین‌های سه گانه چشم پوشید، پروس دوک نشین لونورگ را تصرف کرد، اتریش ۱۵ میلیون مارک غرامت از آن دوک نشین گرفت و حکومت دو دوک نشین دیگر نیز بین دو دولت تقسیم شد. بیسمارک پس از جنگ دانمارک در صدد بود بین پروس و اتریش نیز جنگی ایجاد کند، ولی برای احتیاط ابتدا با ناپلئون سوم امپراطور فرانسه دوست شد و او را راضی نمود تا در جنگ بین پروس و اتریش بی طرف بماند و سپس با ویکتور امانوئل دوم پادشاه ایتالیا بر ضد اتریش معاهده‌هایی

^۱ چهارده چریک، شاپور؛ مختصری درباره تاریخ آلمان

^۲ دولاندلن، شارل؛ تاریخ جهانی ج ۲؛ ترجمه احمد بهمنش، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۷، ص ۳۰۶

^۳ جداری کریمیان، عباس؛ تاریخ آلمان؛ ص ۸۶

منعقد ساخت. پس از آن، اتریش را متهم ساخت که در حکومت هلشتاین از رعایت منافع مشترک دو دولت خودداری نموده است. همچنین موضوع تغییر وضع اتحادیه دولت‌های آلمانی را پیش کشید و مجلس اتحادیه ایالت‌های آلمانی به اتریش اعلان جنگ داد. شکست اتریش به معاهده پراگ منجر شد که به موجب آن، ایالات شلسویک هولشتاین، هانور الکنرال، هس و فرانکفورت ضمیمه پروس گردید و پروس، که تا این زمان دو قطعه جداگانه بود، به یک مملکت تبدیل شد. بعد از این، بیسمارک با ممالک واقع در شمال رود راین در مورد تشکیل یک اتحادیه جدید به مذاکره پرداخت و این هیئت به اسم ممالک مجتمعه آلمان شمالی در ماه آوریل ۱۸۶۷ م تشکیل گردید که شامل ۲۲ مملکت، یعنی تمام ممالک آلمان به جز آلمان جنوبی (ممالک باویر و ورتمبرگ و گراندوک و باد) می‌شد. پس از دو پیروزی بزرگ، بیسمارک که در اندیشه نبرد با فرانسه بود در پنجم اوت ۱۸۶۶ م دولت فرانسه از بیسمارک قسمتی از اراضی باویر در ساحل رود رن و همچنین شهر میانس را تقاضا نمود. ولی چون بیسمارک جواب داد که این تقاضا در حکم جنگ است،^۱ این تقاضا پس گرفته شد ولی طولی نکشید که فرانسه در ۲۰ اوت، الحاق فوری لوکزامبورگ و اجازه الحاق بلژیک را در موقع مساعد درخواست نمود. سرانجام در ژوئیه ۱۸۷۰ م ناپلئون رسماً به دولت پروس اعلان جنگ داد و در دوم اوت جنگ آغاز شد و تا شش ماه ادامه یافت. در پایان کار فرانسویان شکست خوردند. با شکست فرانسه در ۱۸۷۱ م امپراتوری آلمان تشکیل گردید و باویر، ورتمبرگ و باد به اتحادیه آلمان شمالی پیوستند و پادشاه پروس ویلهلم (گیوم) اول به مقام امپراتوری رسید. امپراتوری، ۲۵ دولت نامتساوی و همچنین سرزمین آلتاس و لورن را که از فرانسه جدا شده بود را شامل می‌شد.^۲ بیسمارک بعد از این احساس می‌کرد که هدف‌های امپراطوری آلمان بر آورده شد و بقیه زمامداریش را صرف حفظ صلح و فتوحات آلمان کرد. سیاست خارجی آلمان در این زمان در اطراف اروپا دور می‌زد. وی توانست صلح عمومی اروپا را در دست گرفته و اگر جنگی هم در اروپا می‌خواست در بگیرد او جلوگیری می‌نمود. تا وقتی بر سر کار بود موازنه قدرت را در اروپا به نفع آلمان و انگلیس حفظ کرد.^۳ وی سعی داشت تا با عقد پیمان‌های اتحاد با دول اروپایی به خصوص با اتریش، روسیه، انگلستان و ایتالیا صلح را تضمین و فرانسه را که در کمین انتقام بود در انزوا نگه دارد.^۴

^۱ محمود، محمود؛ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی؛ جلد هفتم، اقبال، تهران، ۱۳۴۵، ص ۳۲۵

^۲ دولاندن، شارل؛ تاریخ جهانی؛ ج ۲، ص ۳۳۵

^۳ محمود، محمود؛ تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی؛ ج هفتم، ص، ۳۲۸

^۴ ذوقی ایرج؛ ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم؛ پاژنگ، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۱

بیسمارک در حد فاصل بین ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۷ سیاست جهاد برای تمدن (Kulturkampf) را در پیش گرفت و اصلاحاتی موسوم به اصلاحات فرهنگی انجام داد. وی اصلاحاتی از جمله منع روحانیان از دخالت در کار تعلیمات، طرد و تبعید یسوعی‌ها، اجباری بودن زناشویی به وسیله قوانین مدنی را آغاز کرد.^۱ از این زمان است انسان هم مدرن می‌شود. و قوانین نوینی برای خود وضع می‌کند.

سیاست آلمان و بیسمارک در این زمان نسبت به شرق خصوصا ایران که در این زمان ناصرالدین شاه قاجار تمایل شدیدی به آلمان پیدا کرده بود توأم با ملاحظه کاری بود. بیسمارک حاضر نبود با روسیه و انگلستان درگیر شود، زیرا به دوستی آنها بر علیه فرانسه احتیاج داشت. وی در جواب درخواست‌های مکرر ایران در رابطه با آلمان گفت " دولت ایران باید خود مصمم به ترقی مملکت باشد، اصلاحات اساسی را در پیش بگیرد و در پی حفظ استقلال خویش بر آید و از پروس سر مشق گرفته و خانه‌اش را آباد کند...".^۲ به هر حال با کوشش‌های بیسمارک کشور آلمان به معنای نوین ملیت شکل گرفت. بعد از ویلهلم اول، ویلهلم دوم جانشین او شد وی بیسمارک را برکنار کرد و کاپریوی^۳ را به جای وی گمارد. در زمان وی نظریه پان ژرمانیسم (مدعی به هم پیوستن تمام اقوام آلمانی زبان) وسعت گرفت.^۴ در همین زمان یعنی اواخر قرن نوزدهم تغییرات عمیقی در ساختار اقتصادی آلمان ظاهر شد که بر سیاست خارجی آن دولت تاثیر بسزایی نهاد. از این زمان تا قبل جنگ جهانی اول جمعیت آلمان به طور غیر منتظره‌ای افزایش یافت و تولیدات صنعتی این کشور دو بر ابر شد، تجارت به سرعت افزایش یافت و به موازات آن بانکداری نیز رونق گرفت. تجمع کارخانجات صنعتی و وجود منابع مالی سبب گسترش بازرگانی داخلی و خارجی آلمان بود. همچنین صادرات فزاینده مجددا موجب افزایش سرمایه و در نتیجه انتقال این سرمایه‌ها به خارج بود. و به موازات آن روانه شدن کالاهای آلمانی به مناطق توسعه نیافته بود. این توسعه صنعت و تجارت ضرورت به دست آوردن بازارهای تازه‌ای را برای صنایع جوان آلمان را ایجاب می‌کرد. پس آلمان‌ها سیاست پیش به سوی شرق را در پیش گرفتند. به علاوه این تفکر که آلمان به جز در آفریقا مستعمره‌ای ندارد این سیاست را در آلمان تقویت می‌کرد که آنها به لحاظ اخلاقی و تشکیلاتی شایستگی تفوق براروپا و بخش‌های وسیعی از جهان را دارند.^۵ مارتین براد فورد

^۱ تاریخ جهانی، ج ۲، ص ۳۳۴

^۲ عسگری آسیه؛ قدرت سوم در دوره قاجار؛ زمانه، ش ۶۰، شهریور ۱۳۸۶، ص ۳۳

^۳ capriui

^۴ تاریخ جهانی، ج ۲، ص ۳۳۵

^۵ برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: تاریخ آلمان، ص ۸۷ و فاطمه پیرا؛ روابط سیاسی-اقتصادی ایران و آلمان بین دو جنگ جهانی، مرکز اسناد

انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹، صص ۴۷ و ۴۸

ویژگی‌های این سیاست جدید آلمان را که به "دور نوین" یا "سیاست جهانی" معروف است را شامل عطف توجه همگان به شهرت همه جانبه آلمان، پیشبرد هر چه بیشتر تجارت خارجی آن کشور و تحقق آرزوی ملت آلمان در مورد نیرومندی و غنای آلمان به سان دیگر قدرت‌های معظم می‌شد بیان می‌کند.^۱ نفوذ در خاورمیانه با وضعیت کنونی آلمان مطابقت داشت. آنها ابتدا متوجه عثمانی شدند که بهترین محل برای فعالیت سرمایه داران و صاحبان صنایع بزرگ به شمار می‌رفت. در سال ۱۸۹۸ م ویلهلم دوم به استانبول سفر کرد و فصل جدیدی در همکاری بین دو ملت پدید آمد. امپراتور آلمان در مسافرت دوم خود به امپراتوری عثمانی خود را طرفدار دوستی ملت ترک و سایر ملل مسلمان معرفی نمود و در نطق خود اعلام کرد که سیصد میلیون مسلمان جهان می‌توانند به وی همچون دوست و حامی خود بنگرند.^۲ این سیاست به زودی به لحاظ اقتصادی ثمرات مهمی برای آلمان به بار آورد، بانکداران و بازرگانان آلمانی در سراسر امپراتوری عثمانی مستقر شدند و امتیازات مهمی به مؤسسات اقتصادی آلمان داده شد. آلمان در جست و جوی نفت بود و علاوه بر آن برای رقابت با انگلیس به یک نیروی دریایی قوی نیاز داشت. آلمانی‌ها در هنگام مذاکره با دولت عثمانی در مورد منابع نفتی عراق سخن نگفتند بلکه فقط تقاضای اخذ امتیاز خط راه‌آهن را داشتند، به این شرط که امتیاز استخراج معادن اطراف راه‌آهن تا شعاع ۲۰ کیلومتر به آنها داده شود. در سال ۱۹۰۲ بانک آلمان، امتیاز ساختمان راه‌آهن برلین - بغداد را به دست آورد که باعث نفوذ هرچه بیشتر آلمان در بین‌النهرین می‌گردید. که نشانه توجه سیاست‌های جدید آلمان به سرزمین‌های حاشیه خلیج فارس بود.^۳ و یکی از دلایل دشمنی انگلیس با آلمان شد.

یکی دیگر از کشورهای خاورمیانه مورد توجه ویلهلم دوم ایران بود. به طوری که بعد از گرفتن امتیاز راه‌آهن از بغداد به خانقین آلمان تصمیم داشت پس از اتمام خط آهن بغداد، همین راه را از خانقین به تهران و ولایات مرکزی ادامه دهد و ایران را به اروپا مرتبط سازد. در سال ۱۹۱۰ مدت تعهد ایران در مقابل روسیه که ۲۰ سال حق ساختن راه‌آهن را از ایران سلب نموده بود تمام می‌شد؛ به همین علت از طرف بانک مشهور آلمان، به نام دویچه بانک، ماموری به نام سیدروت^۴ به ایران آمد که امتیاز خط آهن خانقین - تهران را به دست آورد.^۵ این امر موجب نگرانی مقامات روسی و انگلیسی شد و باعث مبادله

^۱ مارتین، برادفورد. جی؛ تاریخ روابط ایران و آلمان؛ ترجمه پیمان آزاد و علی امید، پیک ترجمه و نشر، تهران، ۱۳۸۶، ص ۸

^۲ مارتین، برادفورد. جی؛ تاریخ روابط ایران و آلمان؛ ص ۸

^۳ مسعود انصاری، عبدالحسین؛ زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی جهان؛ ج ۲، ابن سینا، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳۲۸

^۴ Syderovt

^۵ عسگری، آسیه؛ قدرت سوم در دوره قاجار؛ ص ۳۴

یادداشت هفتم آوریل ۱۹۱۰ م بین ایران و آن دو دولت گردید، و ایران به ناچار تعهد نمود که بعد از این امتیازی که مخالف منافع آن دو دولت باشد به هیچ تبعه دولت خارجی واگذار نکند. ولی دیدار قیصر روم و تزار روس در همین زمان در پوتسدام به انعقاد پیمان پوتسدام منتهی شد که آلمان طبق آن می‌پذیرد که شمال ایران قلمرو نفوذ روسیه باشد و حمایت از روسیه در تامین سرمایه جهت ایجاد راه آهن مذکور را به عهده می‌گیرد و روسیه حقوق تعلق گرفته به آلمان بر اساس امتیاز راه آهن بغداد، همچنین منافع بازرگانی آلمان را در شمال ایران به رسمیت می‌شناسد.^۱ علاوه بر سیاست پیش به سوی آلمان از دیگر سیاست‌های ویلهلم دوم، در بین سالهای ۱۹۱۴-۱۹۰۵ م گسترش تعرضات نظامی در اروپا و دیگر نقاط جهان بود. برای همین آلمان به شدت مسلح شد به موجب قانون مصوب ۳۰ ژوئن ۱۹۱۳ م، تعداد نفرات ارتش به ۸۷۰ هزار نفر رسید و مبالغ هنگفتی برای تهیه تجهیزات نظامی اختصاص داده شد.^۲ در پیش گرفتن این سیاست‌ها باعث بروز جنگی شد که نه تنها اروپا بلکه جهان را در بر گرفت. جنگی که علل اصلی آن عبارت بود از: رقابت اتریش و روسیه در بالکان، اختلاف بین فرانسه و آلمان از سال ۱۸۷۰ درباره آلتاس ولرن و رقابت اقتصادی و دریایی بین آلمان و انگلیس؛ اما بهانه شروع جنگ این بود که آرشیدوک فرانسیس فردیناند ولیعهد امپراطوری اتریش مجارستان به دست پرنزیب تبعه اتریش در ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۴ در سارایوو بوسنی به قتل رسید و اتریش ادعا کرد صربستان در این کار دخالت داشته و تقاضا نمود تحقیقاتی با شرکت نمایندگان اتریش صورت پذیرد که دولت صربستان تحقیقات را قبول نمود ولی با حضور نمایندگان خارجی مخالفت کرد. دولت اتریش به صربستان اعلان جنگ داد و روسیه بسیج عمومی اعلام کرد و آلمان هم به حمایت از اتریش به روسیه و فرانسه اعلان جنگ داد. قوای آلمان به بلژیک حمله کرد و این اقدام یعنی حمله به یک کشور بی‌طرف موجب دخالت انگلیس در جنگ شد.^۳ سرانجام جنگ به شکست آلمان و متحدانش (اتریش - مجارستان، عثمانی، بلغارستان...) از دول متفق (انگلیس، روسیه، فرانسه) شد. آلمان‌ها در طول جنگ (۱۹۱۸-۱۹۱۴ م) از سیاست نفوذ در شرق بر علیه دول متفق استفاده می‌کردند. یک سال پس از شعله ور شدن جنگ دولت آلمان دو هیات مامور کرد تا یکی در ایران موانعی در راه پیشرفت روس و انگلیس ایجاد و

^۱ شوستر مورگان، ویلیام؛ اختناق ایران؛ ترجمه حسن افشار، نشر ماهی، تهران، ۱۳۸۹، صص ۱۹۱ و ۱۹۲

^۲ تاریخ آلمان، ص ۸۷

^۳ پالمر، رابرت روزول؛ تاریخ جهان نو؛ ج ۲، ترجمه ابولقاسم طاهری، امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۳۸۱